

## مدرسه دخترانه روستای فارسجین رزن به بهره برداری رسید

به گزارش خبرنگاری جمهوری اسلامی، مدرسه ۴کلاسه دولتی دخترانه روستای فارسجین در شهرستان رزن با حضور کاردار سفارت جمهوری فدرال آلمان در تهران به بهره برداری رسید.

ساختمان این مدرسه که در زلزله خردادماه سال گذشته به شدت آسیب دیده بود، با کمک وزارت همکاری های اقتصادی و توسعه آلمان زیرنظر انجمن همکاری های فنی این کشوو بازسازی شد.

دولت جمهوری فدرال آلمان یک میلیون یورو برای بازسازی ساختمان مدارس در مناطق زلزله زده استان همدان اختصاص داده است.

## سرگذشت

سئوژه هفته — سید فاضل بلاغی

## ...اسطوره تر از شهید

روزی جوان شادابی بود، مثل من، مثل تو، مثل تمام جوانانی که امروز روزگار خوشی را در کنار خانواده و دوستان می‌گذرانند. مثل تمام جوانانی که به حکم جوان بودن شادی و تفریح را برای خود واجب الوجود می‌دانند مثل این چند میلیون جوان باشعور ایران زمین. اما دست روزگار اجازه نداد او جوانی کند. درست زمانی که او می‌خواست استقلال و آزادی خویش را جشن بگیرد، تمام آنهایی که این حقوق طبیعی انسانها را نمی‌توانستند تحمل کنند به صورت متحد و با نام عراق به خاک ووطنش دست دراز می‌کردند و او را ناکام از تمام خوشی‌ها و زیبایی‌های زندگی خواستند. لباسهای خاکی را پوشید، چفته اش را به دور کردن انداخت، پيشانی بند (یا ابوالفضل العباس) را برپیشانی بست و راهی جنوب، غرب و تمام نقاطی شد که دست مجاورزان به خون هم وطنانش آلوده شده بود. جوان آن روز کرد، لر، ترک، فارس، و در یک کلام ایرانی دیگر برایش اهمیت نداشت خود بودن، او ایران مردم ایران و دین و ناموسش را می‌دید. به قطه ای که آنجا را جیبه خطاب می‌کردند راهی شد و برای بیرون راندن دشمنان دین و آزادی جانش را فدا کرد.

...و امروز او دیگر جوان نیست، جوانی او با توپ و تفنگ، خون و آتش و عشق و ایثار گذشت. می‌دانی خیلی سخت است که در مقابل دیدگانت، دوست، همسرکت، محرم رازهایت و همراه گامهایت به خون بغلتد و دم زنی، خیلی سخت است که تکه ای از بدنت درمقابل تیر و ترکشهای دشمنان جدا شود و تمام عمر تو را ناقص العضو کند و بازهم دم زنی، خیلی سخت است که در عقوان جوانی، تمام شادبیاها و لذت‌های زندگی را به کناری بگذاری و برای دفاع از خاک پاک میهن به جایی بروی که بدانی آنجا مرگ می‌فروشند و باز هم دم زنی. ولی جوان آن روز رفت و چه عاشقانه، کویبی تمام لذت‌های زندگی در پشت همان خاکریزهای شهادت انباشته شده بود کویبی تمامی آمال و آرزوهایش در میان انبوه گلوله های دشمنان پنهان شده بود. کویبی تمامی زندگی در همان نقطه، نقطه ای از بهشت، کم شده بود. فرقی نمی‌کرد چه کسی باشد، باکری، همت، صیاد شیرازی و یا هرکس دیگری باید می‌رفت اگرچه می‌دانست دیگر برنی‌گردد.

جوان آن روز دوتکه شد، تکه ای که رفتند و برگشتند و تکه ای که برگشتند و تنها ماندند، آری تنها، در میان کوره راههای مصیبت بار زندگی آنها که رفتند نامشان ماند. آنها که مانند غمشان، می‌دانی، خیلی سخت است بمانی و در تنهایی خود لحظه ای را بیبینی که آشنا به روی تو، تویی که بخاطر آن آشنا رفته بودی، در را می‌بندد، نگاهت نمی‌کند، حتی اگر چشمانت پراز التماس باشد. التماس نکن، التماس نکن که تو از نسل دلاورانی، تو دلآوروی کنی اگر درست، پایت، چشمت و تمام وجودت لبریز از یادگارهای اسال استقامت در مقابل بیگانگانی باشد که می‌خواستند به حریم زندگی تو تجاوز کنند، گرچه جانباژ شدی ولی برای من تو هنوز هم یک اسطوره ای، حتی اسطوره تر از شهیدان، التماس نکن، تو وجودت، نفست، احساست و نگاهت برای من امید است. التماس نکن حتی اگر مردی آشنا ولی بیگانه تر از هر بیگانه به نام تو رئیس باشد و فراموش کند تو که بودی. التماس نکن، تو در مقابل هزاران هزار بیگانه و دانه ایستادی پس در مقابل آشناها غصه نخور! بگذار آن آشنا فراموش کند تو که هستی. تو درمقابل نامردان خارجی التماس نکردی پس درمقابل یستان داخلی هم چنین کن.

دستانت را می‌بوسم، درمقابل تو دست به سینه می‌نشینم، حرف‌هایت را با جان و دل می‌شنوم تا تو نرنجی، تویی که برای من یک اسطوره ای، اسطوره تر از شهید!



## ▼ گزارش ▼

# واقعیت‌هایی درباره زمین‌شناسی شهر تبریز

**ایوب قحیرزاده – کارشناس سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی شمالغرب کشور**



زمین لرزه های سخت، یکی از حادثه های همیشگی و وحشت انگیز تبریز بوده و این شهر همواره از این آفت طبیعی یابی‌مه‌ریه‌ای طبیعت‌گ‌زننده‌ها و آسیبه‌ای فراوان یافته است. بارها چنین رخ داده که شهر بر اثر این بلایای آسمانی، پاک ویران گردیده و سپس شهری از نو ساخته و پدید آمده است.

شهر تبریز در طول تاریخ ۲۷۰۰ ساله خود بارها با این گونه زمین لرزه ها و ویرانها روبرو شده و مردم آن بارها، پس از این زمین لرزه ها که سر از زیر آوار بیرون آورده اند شهر خود را جز تلی خاک آغشته به خون نیافته اند.

با اینکه زمین لرزه یکی از حوادث دایمی تبریز است ولی متأسفانه از این زمین لرزه های تاریخی که در زندگی شهر و مردم آن اثرهای اقتصادی و اجتماعی بسیار به جا نهاده‌است در کتابها و نوشته‌ها جزء آگاهیهای اندک و کوتاه و نارسا چیزی نیامده است. نویسندگان پیشین کمترین رغبتی به یادداشت کردن و نوشتن شرح دقیق اینگونه پیشامدها از خود نشان نداده اند.

شهر تبریز در حال حاضر یکی از کلان شهرهای کشور بوده و در دو سه دهه اخیر مجتمع و برج سازی بدون توجه به پتانسیل‌های لرزه خیزی آن بصورت بی رویه، در همه

جای شهر علی‌الخصوص در حریم گسل تبریز (شهرک های باغ‌میشه، رش‌دیه، الهیه، ولی‌الامر و…) رو به گسترش و توسعه میباشد. مسئولین کشوری و دست اندرکاران مسایل ساخت و ساز باید پیشینهٔ لرزه خیزی این شهر را در نظر گرفته و از گسترش شهر به سمت مکانهای پرخطر و مقاوم و سبک سازی سازه‌ها عنایت بیشتری داشته باشند چون این شهر در طول تاریخ زمین لرزه‌هایی به بزرگی ۷/۶ ریشتر را نیز متحمل شده است (زلزله سال ۱۷۲۱ میلادی یعنی ۲۸۲ سال پیش) و براساس داده های مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران وایسته به وزارت مسکن و شهرسازی، شهر تبریز پرخطرترین شهر کشور از نظر لرزه خیزی بوده و در نقشه پهنه‌بندی تهیه شده توسط این مرکز، شهر تبریز پهنهٔ باخطر بسیار بالا مشخص گردیده است.

حال در صورت وقوع زلزله چه پدیده های مخرب در چه نقاطی از شهر احتمال بروز

لرزه

در صورت وقوع زمین لرزه، پدیده‌ها و عوامل مختلفی باعث تخریب و ویرانی سازه‌ها و ساختمانها میگردد که عبارتنداز:
تأثیر مستقیم امواج زلزله برساختمانها.
پدیدهٔ رانش زمین (به عبارت دیگر لغزشهای تحریک زلزله ای) .

### پدیدهٔ لیکوفکشن یا روانگرایی (Liquefaction)

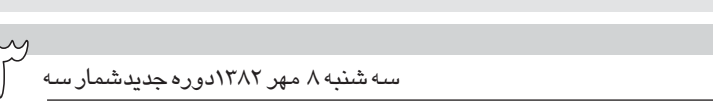
**۱. تاثیر مستقیم امواج زلزله:** حرکت لایه‌ها در محل گسل باعث آزاد شدن انرژی انباشته شده و ایجاد زلزله میگردد. انرژی آزاد شده از کانون زلزله بصورت امواج (امواج P،s) در تمام جهات منتشر میشوند امواج سطحی (۱) مسئولیت تخریب بیشتر ساختمانها را بعهده دارند زیرا وارد پی ساختمانها شده و مانند اره ای در ابعاد گسترده عمل می‌نمایند. ناحیه ایکه بیشتر از همه تحت تاثیر زلزله قرار میگردد در اطراف مرکز سطحی (بیرونی) زلزله قرار دارد وسعت این ناحیه تابع شدت زلزله و فاصله کانون زلزله است.

مناطق دامنهٔ کوه عینالی مانند شهرک های نیروی هوایی، باغ‌میشه، رش‌دیه، الهیه، صالح آباد، کوی شهیدبهشتی، یوسف آباد، ولی الامر، ملازینال، ارم، رضوانشهر و… در کنار یک شکستگی بزرگ و بسیار کهنی بنام گسل شمال تبریز قرار گرفته است. طول این گسل از قم تا آنتاولی ترکیه و سن آن به دوران دوم زمین شناسی مربوط میگردد. علت اصلی زمین لرزه های تبریز، حرکت و جنبش این گسل بوده و سابقهٔ بسیار دیرینه ای دارد. حریم این گسل در هنگام ساخت و سازها باید رعایت میگردد تا هنگام وقوع زلزله آسیب مستقیم زلزله به سازه‌ها و ساختمانها وارد نمیشد متأسفانه نه تنها این امر مهم رعایت نشده بلکه در دو سه دههٔ اخیر شاهد ساخت و سازهایی در این مناطق بوده ایم و حتی بدون توجه به تحقیقات وزارت مسکن و شهرسازی مبنی بر پرخطر بودن شهر تبریز از نظر لرزه ای، توسعه و گسترش شهر به سمت قاط پرخطر هدایت گردیده است. لذا در صورت وقوع زلزله ساختمانها و سازه های موجود در این نواحی مستقیماً تحت تاثیر امواج مخرب زلزله قرار خواهند گرفت. راه چاره: در کشورهای پیشرفته حریم گسله‌ها رعایت میگردد و معمولاً در آن حریم فضای سبز ایجاد میکنند و از طرفی چاه‌هایی در سطح گسل ایجاد کرده و فاضلاب شهر را در آن تزریق می‌نمایند که این عمل باعث لیز و صابونی شدن سطوح گسل گردیده و با بروز زلزله های متعدد ولی با شدتهای بسیار کم مانع تجمع انرژی بیشتر در سطح گسله‌ها و وقوع زمین

## مجوز تاسیس ۹مدرسه شبانه روزی در

## استان آذربایجان شرقی صادر شد

مجوز تاسیس ۹مدرسه شبانه روزی در استان آذربایجان شرقی در نشست اعضای شورای آموزش و پرورش این استان صادر شد. براساس این مصوبه، این مدارس در شهرهای گوگان، تسوج، خدافرین، ورزقان، مرند، مرزن‌دات، آذغان، سراب و فراجو در قالب مداری تازه تاسیس، ضمیمه و تبدیل وضع راه اندازی شدی و در مقاطع راهنمایی، دبیرستانی و پیش دانشگاهی فعالیت خواهند کرد. در این نشست، افزایش مراکز زیرپوشش آموزش و پرورش، با استاردهای قابل قبول رساندن سطح آموزشی در این استان و ایجاد زمینه برای استفاده از امکانات آموزشی توسط دانش آموزان مناطق محروم از اهداف تاسیس مدارس شبانه روزی عنوان شد.



سه شنبه ۸ مهر ۱۳۸۲دوره جدیدشمار سه

#### سهند: بفر مایید

خیلی وقت بود که جای خالی نشریه‌ای مثل سهند حس می‌شد، از اینکه حامی چهره‌های فرهنگی و هنری کشور هستیم از شما تشکر می‌کنیم

**یوسفی از تهران**

ما دانشجویان ادبیات دانشگاه آزاد اهانت روزنامه... به شه‌ریار را محکوم می‌کنیم و خواستار برخورد جدی با عوامل این اهانت هستیم. جمعی از دانشجویان ادبیات دانشگاه تهران

اهانت به شه‌ریار آن هم توسط کسانی که داعیه‌دار دموکراسی و جامعه مدنی هستند تا‌عسف بار است. خوشحالم‌یک دست روشفکران و آزاداندیشان برای ما رو شد.

جمعی از دانشجویان دانشکده هنر دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز گرچه با اهانت به شه‌ریار مخالفم ولی امیدوارم در قبال دیگر هنرمندان نیز همین قدر حساس باشید البته امیدوارم این جوابیه صرفاً به دلیل مسائل فرهنگی باشد نه دیدگاه‌های سیاسی!

**خاکپور از لرستان**

**سهند**، دوست عزیز خوشبختانه سهند از همان ابتدا نشان داده که اهل جناح بازی‌های رایج در عرصه سیاست نیست. در مورد جوابیه به روزنامه شرق نیز باید بگویم نه تنها به دلیل گرایشات سیاسی آنها را مورد خطاب قرار ندادیم بلکه جوابیه سهند فقط جنبه فرهنگی داشت و بس. توزیع سهند در تبریز افضضاح است. متأسفانه اکثر دکه‌دارها سهند را نمی‌شناسند و آن را لای روزنامه‌ها کم می‌کنند. فکر می‌کنم با تبلیغ مناسب بتوانید افکار عمومی را با سهند آشنا کنید.

**یک خواننده از تبریز**

به سردبیرتان بگوید هنوز خیلی مانده تا به... و... درس روزنامه‌نگاری بدهد آنها برای آزادی هزینه داده‌اند و مطمئن باشید با تخریبهای امثال این آقا هرگز خرد نخواهند شد. در ضمن از سهند اصلاً خوش نیامد.

**یک خواننده از تهران**

**سهند:** از اظهار لطقتان نسبت به سردبیر ما و هفقه‌نامه سهند از شما تشکر می‌کنیم. یک هفقه نامه تازه تاسیس می‌خواهد در مقابل روزنامه... قد علم کند. برای این مطبوعات متأسفیم که هرکسی از راه می‌رسد می‌خواهد خودش را مطرح کند.

**احمدزاده از همدان**

**سهند:** دوست عزیز اولاً هفقه‌نامه سهند ۱۴ سال است که منتشر می‌شود، دوماً روزنامه مورد نظر شما هنوز یک ماهه نشده، سوماً در مطبوعات کسی در مقابل کسی قد علم نمی‌کند چهارماً همکارانمان در آن روزنامه به خوبی با سوابق نویسندگان سهند آشنا هستند پنجماً بازم بگیم یا بسه.

به مسئولان سهند بگوید شما شرف و عزت آذربایجان هستید ما مردم تبریز به شما افتخار می‌کنیم موفق باشید.

**جمعی از خوانندگان سهند. تبریز**

وزن ساختمانها و فشار امواج زلزله بیشتر باشد شدت عمل این پدیده نیز بیشتر خواهد بود.

بخش عمدهٔ شهر تبریز بر روی نهشته های آبرفتی (شن، ماسه، سیلت و…) قرار گرفته و با توجه به میزان مصرف آب روزانه شهر که چیزی در حدود ۳۰۰۰۰۰ متر مکعب یعنی ۳/۵ متر مکعب در هر ثانیه می‌باشد از حدود ۹۰۰ درصد این آب مصرفی بعلت نیودن سیستم زهکشی فاضلاب به داخل چاه‌ها منتقل میگردد که باعث تقویت آبهای زیرزمینی شده و این آبهای زیرزمینی بعلت متخلخل بودن رسوبات بستر شهر به سمت غرب و در نهایت به سمت دریاچهٔ ارومیه حرکت می‌کند.

قسمتهای غربی شهر مانند منطق نصف راه، راه آهن، کوچه، باغ، نسبت به بخشهای شرقی، جنوبی و شمالی شهر در ارتفاع پایین تری قرار گرفته و سطح آبهای زیرزمینی در این مناطق بسیار بالاست بطوریکه در عمق ۲٫۳ متری به سطح ایستایی می‌رسد.

بالا بودن سطح ایستایی و شن و ماسه و سیلتی بودن بستر این بخش از شهر شرایط مناسبی را برای ایجاد پدیده لیکوفکشن در هنگام وقوع زلزله فراهم می‌نماید. لذا در صورت بروز پدیده لیکوفکشن، ماسه های غوطه ور در آب در اثر لرزش و ویبره امواج زلزله و وزن ساختمانهای بزرگ (مجتمع‌ها و آپارتمانهای سنگین) از گوشه ساختمانها به سطح زمین آمده و در نتیجه زیرساختمانها خالی گشته و سازه‌ها هرچه مقاوم هم باشند تعادل خود را از دست داده و واژگون می‌گردند. راه چاره: برای جلوگیری از اتفاق پدیدهٔ لیکوفکشن در بخشهای غربی شهر باید چاه‌هایی در نقاط مختلف حفر و آبهای زیرزمینی به سطح پمپاژ گردد تا بدین طریق سطح ایستایی به اعماق بیشتر هدایت شود و همچنین از احداث برجهای بلند و سنگین جلوگیری شود و برای احداث ساختمانها از مصالح سبک وزن استفاده گردد.

**منابع مورد استفاده**

۱-زمین لرزه های تبریز بچی دکاء

۲-پهنه بندی خطر نسبی زمین لرزه در ایران وزارت مسکن و شهراسزی

## بیکاری حدیثی مکرر اما...

### مجتبی عبدالهی

می‌رسد حکایت زندگی این جوانان سرنوشت محتومی است که از افتادن در سیکل معیوبی شکل گرفته که مشخص نیست چه هنگام از آن خلاصی می‌یابد و اصلاً آیا این روند اصلاح شدنی هست یا نه؟ آیا طبقاتی متوسط و پایین جامعه بخصوص در شهرستانها که دستشان به هیچ جا بند نیست و همواره سنگ زیرین آسیاب اند (چه بخواهند و چه نخواهند) آینده ای خواهند داشت؟ هر تصمیمی که در بالا اخذ می‌شود اگر مزایایی داشته باشد تا بخواهد به اینان برسد دیگر چیزی از آن باقی نمی‌ماند و اگر معایبی داشته باشد که معمولاً دارد؛ فشار مستقیم آن به این طبقات وارد می‌گردد. باید کوه بود تا زیر بار این مشکلات متلاشی نشد و مگر آدمی چنین توانی دارد؟!

این نسل و این جوانان دیگر رمقی ندارند، «امید» هم از آنان قهر نموده و از نزد اینها رخت بریسته! و بدون امید مگر می‌توان ادامه داد؟ آرزوها و وعده‌های بلند بالا جامه عمل پوشانده نشد ولی مگر خواستن حداقل‌ها، انتظار زیادی است؟ این جوانان می‌خواهند از زور بازو و عرق جبین «ثانی به منزل» برند و مگر این توقع بزرگی است؟ تا چه زمان می‌بایست چوب مدیریت نادرست و خود خواهی را این مردم رنج دیده بخورند؟ آیا نباید روی آرامش بینند؟

آگاه باید بود. جامعه یک موجود ایستا و منجمد نیست که همواره رفتار مشخص بروز دهد و «کرنش» کند بلکه جامعه یک عنصر «پویا و متحرک» است و رفتارهایی گاهی عجیب و غریب از خود بروز می‌دهد. جامعه توان و تحمل مشخص دارد و بیش از آن را یارای تحمل ندارد. متأسفانه می‌بینیم بجای اختصاص بودجه های اضطراری به این بخش همین اندک بودجه صرف بروکرسی و تشکیل تشکیلات اضافی، برای کارهای آنچنانی و بازی با خواست ملت می‌گردد! مسئولان باید ببوش باشند. ازبیر خطر دیر هنگامی است که صدا درآمده. مبدا هنگامی به خود آیند که «سهراب» مرده باشد.ا به جای صرف انرژی و مبارزه با بسیاری معضلات بهتر است به ریشه آنها یعنی بیکاری، پرداخت که در اینصورت آنها خود بخود علاج می‌گردد. آنانی که می‌پندارند مردم «باید» مطیع و فرمانبردار حکومت باشند، نمی‌دانند که جامعه «باید» نمی‌شناسد و مسئولین هستند که می‌بایست خود را با آنان هماهنگ کنند نه بر عکس! فرصت‌ها هر لحظه از کف می‌رود و بحران بیکاری عمیق تر می‌شود ولی برخی آن را جدی نمی‌گیرند. بیکاری از منظر جامعه شناختی علاوه بر ایجاد معضلات دیگر، در حد ماکزیم خود، حتی امنیت، نه تنها مردم ما بلکه مسئولان را هم دچار خطر می‌سازد. جامعه ای که از خط بحران فراتر رود دیگر برگشت‌پذیر نیست و «آب رفته دیگر به جوی باز نمی‌گردد». با آسیب های اجتماعی نمی‌توان سهل و ساده برخورد نمود بلکه می‌بایست بسیار با دقت نظر و ظرافت و وسواس بالا عمل نمود. بایستی مراقب بود زیرا آمارهای بیکاری از حد نگرانی گذر نموده و با خودخواهی‌ها قابل رفع نیست. «انفجار اجتماعی» پدیده میمونی نیست اما اگر بیاید خشک و وتر با هم می‌سوزند.